

بخش ۳: قواعد و ترجمه

قواعد

○ در این درس با «حروف مشبّهة بالفعل» و «لای نفی جنس» که حروف پرکاربردی در زبان عربی هستند، آشنا می‌شوید و معانی، کاربرد و تأثیر آن‌ها را بر سایر اجزاء جمله یاد می‌گیرید.

۱. عین الجملة التي ليس فيها حرف من «الحروف المشبّهة بالفعل»:

- ۱) إِنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.
- ۲) الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُدَلُّ عَلَى أَنَّ التَّدْيِينَ فِطْرِي فِي وُجُودِ الْإِنْسَانِ.
- ۳) حَاوِلْ إِبْرَاهِيمُ الْخَلِيلَ (ع) أَنْ يُثَقِّدَ قَوْمَهُ مِنَ الشُّرْكِ.
- ۴) لَا تُشْرِكُونَ سُدَىٰ وَلَكِنَّكُمْ لَا تَعْلَمُونَ.

۲. عین عبارة فيها حرف من «الحروف المشبّهة بالفعل»:

- ۱) كَانَ النَّاسُ مُشَاهِدِي الْأَصْنَامِ الْمُكْسَرَةِ.
- ۲) كَأَنَّ النَّاسَ مُشَاهِدُوا الْأَصْنَامِ الْمُكْسَرَةِ.
- ۳) لَيْسَ النَّاسُ مُشَاهِدِي الْأَصْنَامِ الْمُكْسَرَةِ.
- ۴) إِنَّ يُشَاهِدِ النَّاسُ الْأَصْنَامَ الْمُكْسَرَةَ يَتَعَجَّبُوا.

۳. عین عبارة فيها حرف «للتأكيد» على الجملة:

- ۱) قَالَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع): إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ.
- ۲) كَانَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع) يَعْتَفِدُونَ أَنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ.
- ۳) تَعَجَّبَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع) وَقَالُوا: «لَيْتَ الصَّنَمَ كَانَ يَتَكَلَّمُ».
- ۴) كَأَنَّ قَوْمَ إِبْرَاهِيمَ (ع) كَانُوا تَعَجَّبُوا لَمَّا شَاهَدُوا الصَّنَمَ.

۴. أي عبارة «فيها حرف لإتصال جملتين»:

- ۱) إِنَّ تَقَدَّمُوا شَيْئاً لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ.
- ۲) قُلْتُ لِزَمِيلِي: أَعَلِمَ أَنَّكَ تُحَاوِلُ كَثِيراً.
- ۳) قَوْمُوا عَنِ مَجْلِسِكُمْ لِمُعَلِّمِكُمْ.
- ۴) إِنَّ النَّاسَ أَعْدَاءُ مَا جَهِلُوا.

۵. عَيْنَ جَمَلَةٍ فِيهَا حَرْفٌ بِمَعْنَى «كَ»:
- (۱) لَيْتَ أَخِي الصَّغِيرَ يَبْتَعِدُ عَنِ الكَسَلِ.
 - (۲) الْيَوْمَ يَوْمَ الْعِيدِ وَ لَكِنَّهُ مُحْزُونٌ.
 - (۳) إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْوَلَدَ الْمَرِيضَ يَحْتَاجُ إِلَى مُسَاعَدَتِكَ.
 - (۴) كَأَنَّ هَوْلَاءَ الْمُقَاتِلِينَ بُيَانًا مَرْصُوصٌ.
۶. أَيُّ جَمَلَةٍ لَيْسَ فِيهَا حَرْفٌ لِبَيَانِ «الْأُمْنِيَّةِ» أَوْ «الرَّجَاءِ»:
- (۱) جَعَلَ اللَّهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّنَا نَعْقِلُ.
 - (۲) لَيْتَ الطَّالِبِينَ يُشَاهِدُونَ الشَّجَرَةَ الْخَائِنَةَ فِي الْغَايَةِ.
 - (۳) يَا لَيْتَنِي كُنْتُ أَهْرَبُ لِأَنَّ رَاحَةَ تِلْكَ الشَّجَرَةِ كَانَتْ كَرِيهَةً جِدًّا.
 - (۴) إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ يُمَكِّنُ إِنتَاجَ النَّفْطِ مِنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ.
۷. عَيْنَ الْجَمَلَةِ الَّتِي فِيهَا فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ الْمُنْفِيِّ:
- (۱) لَا أَرَا جَعَلَ تَرَجِمَةَ الْأَدْعِيَّةِ وَأَقْرَأُهَا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
 - (۲) لَعَلَّكَ لَا تُرَاجِعُ تَرَجِمَةَ الْأَدْعِيَّةِ وَ تَقْرَأُهَا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
 - (۳) أَنْتُمْ تُرَاجِعُونَ تَرَجِمَةَ الْأَدْعِيَّةِ لِأَنَّكُمْ لَا تَقْرَؤُونَهَا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
 - (۴) إِنَّا لَا تُرَاجِعُ تَرَجِمَةَ الْأَدْعِيَّةِ لِأَنَّنا نَقْرَأُهَا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.
۸. أَيُّ جَمَلَةٍ لَيْسَ فِيهَا فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ:
- (۱) هَذَا الْامْتِحَانُ يُسَاعِدُ التَّلَامِيذَ فَيُعْمَلُوا ذَلِكَ.
 - (۲) يَجِبُ عَلَى التَّلَامِيذِ أَنْ يَكْتَبُوا كُلَّ الْأَجْوِبَةِ.
 - (۳) لَيْتَ الرَّجُلَ الْمُؤْمِنَ يُحَاوِلُ أَنْ يُنْقِذَ إِخْوَانَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.
 - (۴) إِنَّهُ يُسَمَّى «الرَّمِيلُ» لِأَنَّهُ يَعْمَلُ مَعَكَ.
۹. مَا هُوَ الْمَصْحِيحُ عَنِ فِعْلِ «يُشَاهِدُونَ» فِي الْجَمَلَةِ التَّالِيَةِ:
- «لَيْتَ ضِيُوفُنَا يُشَاهِدُونَ جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِنَا.»
- (۱) فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيِّ
 - (۲) فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْبَعِيدِ
 - (۳) فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَضَارِعِ الْإِلْتِزَامِيِّ
 - (۴) فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمُسْتَقْبَلِ
۱۰. عَيْنَ مَا فِيهِ فِعْلٌ يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيِّ:
- (۱) لَيْتَ الطَّلَابَ حَجَلُوا وَ نَدِمُوا مِنْ فِعْلِهِمْ.
 - (۲) كَانَ الطَّلَابُ حَجَلُوا وَ نَدِمُوا مِنْ فِعْلِهِمْ.
 - (۳) لَمْ يَحْجَلِ الطَّلَابُ وَ لَمْ يَدِمُوا مِنْ فِعْلِهِمْ.
 - (۴) لَيْسَ الطَّلَابُ نَادِمِينَ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ لَا يَحْجَلُونَ.
۱۱. عَيْنَ الْخَطَأِ عَنِ الْفِعْلِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ: «يَا لَيْتَنِي وَصَلْتُ إِلَى أَصْدِقَائِي قُرْبَ مَضِيْقٍ.»
- (۱) يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْإِسْتِمْرَارِيِّ
 - (۲) يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْبَعِيدِ
 - (۳) يَدُلُّ عَلَى الْمَاضِي الْمُنْفِيِّ
 - (۴) فِي مَعْنَاهُ «الْأُمْنِيَّةِ» (فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ)



۱۲. ائ جملۀ لیس فیہا فعل یدلّ علی الماضي الإستمراري أو البعید:
- (۱) لعلّ هذا العالم یتحرّم الأديان الإلهیة.
 (۲) کان نبینا یؤکّد علی حرّیة العقیدة.
 (۳) لیت المسلمین اتّحدوا ولم یتفرّقوا.
 (۴) علّمني الأستاذ درساً قد قرأته من قبل.
۱۳. عین «لا» النافیة للجنس:
- (۱) لا یعمّل کسلانٌ بجدّ ولن یری التّجاح.
 (۲) لا عبادة مثل التّعلیم والتّعلّم.
 (۳) لا یخرّنک قول الجّهال.
 (۴) لا تسبّوا هولاء الجاهلین.
۱۴. عین العبارة التي لیس نافیة للجنس:
- (۱) لا علم لي إلا ما علّمني ربّي.
 (۲) لا شيء أقوى في حیاتي من التّقوی.
 (۳) یحترّم الناس العلماء لا الجاهلین.
 (۴) لا صیّف في بيتي اليوم.
۱۵. عین الخطأ عن «لا»:
- (۱) لا أحبّ الذين لا یساعدون المساکین. (لنفي المضارع)
 (۲) هل تُحبّ هذا الطّعام؟ لا، أنا لا أحبّه. (النافیة للجنس)
 (۳) إنّ الله معنا فلا تحفّ إلا الله. (للتّهی)
 (۴) الصّحة نعمة مجهولة ولا نعمة كالصّحة لنا. (النافیة للجنس)

ترجمه

- دانستن معنای «حروف مشبّهة بالفعل» و همچنین تأثیر «لیت» و «لعلّ» بر معنای فعل پس از آن‌ها در جمله برای ترجمه صحیح جمله ضروری است.
- و همچنین تشخیص «لا» ی نفی جنس و تأثیر آن بر ترجمه جمله‌ای که دارای «لا» ی نفی جنس است نیز از موارد ضروری برای ترجمه صحیح است.

■ عین الأصحّ و الأدقّ في الأجوبة للترجمة:

۱۶. «إنّ التّدين فطريّ ولا نكنّ من المشركين لأنّ الله لا یحبّ المشركين.»
- (۱) قطعاً دین فطری است و ما از مشرکان نیستیم زیرا خداوند مشرکان را دوست نمی‌دارد.
 (۲) بی‌گمان دینداری فطری است و ما نباید از مشرکان باشیم برای این‌که خداوند مشرکان را دوست ندارد.
 (۳) دین‌دار بودن امری فطری است و ما از مشرکان نبوده ایم و قطعاً خداوند مشرکان را دوست ندارد.
 (۴) همانا دین داشتن فطری است و ما نباید از مشرکان باشیم و بی‌گمان خداوند نباید مشرکان را دوست داشته باشد.

۱۷. «لِنَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ لَا يَتْرُقُنَا سُدَىٰ وَ لِدَلِيكَ قَدْ أَرْسَلْنَا الْأَنْبِيَاءَ»

- (۱) باید بدانیم که خداوند ما را بیهوده رها نمی‌کند و به همین دلیل پیامبران را برای ما فرستاده است.
- (۲) باید دانسته باشیم که خداوند ما را عیب رها نکرده است و به همین دلیل پیامبران را به سوی ما فرستاده است.
- (۳) باید بدانیم قطعاً ما خداوند را بی‌دلیل رها نمی‌کنیم زیرا او پیامبرانی را به سوی ما فرستاده بود.
- (۴) برای این که دانسته باشیم که خداوند ما را بیهوده رها نمی‌کند او برای ما پیامبر را می‌فرستد.

۱۸. «بَدَأَ الطَّلَبُ يَتَهَامَسُونَ لَمَّا خَرَجَ الْمُدْرِسُ فَقُلْتُ لَصَدِيقِي كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِهِمْ لَا يُمَكِّنُ لَنَا»

- (۱) دانش‌آموزان پیچ‌پیچ می‌کردند هنگامی که معلم خارج شد پس برای دوستم گفتم که راضی کردن همه آن‌ها امکان ندارد.
- (۲) دانش‌آموزان شروع کردند سر و صدا کنند و معلم خارج نشد پس به دوستم گفتم راضی کردن همه برای ما ممکن نبود.
- (۳) دانش‌آموزان شروع به سر و صدا کردند هنگامی که معلم خارج شد پس به دوستی گفتم که راضی شدن همه آن‌ها برایمان ممکن نیست.
- (۴) هنگامی که معلم خارج شد دانش‌آموزان شروع به پیچ‌پیچ کردند پس به دوستم گفتم گویی راضی کردن همه آن‌ها برای ما ممکن نیست.

۱۹. «أَحْضَرَ النَّاسُ الرَّجُلَ الْحَنِيفَ لِلْمَحَاكِمَةِ لِأَنَّهُمْ كَانُوا يَظُنُّونَ أَنَّ قَصْدَ هَذَا الرَّجُلِ اسْتِزْهَاءُهُمْ»

- (۱) مردم مردی یکتاپرست را برای محاکمه حاضر کردند زیرا گمان کرده بودند که هدف این مرد تمسخر ایشان است.
- (۲) مردم مرد یکتاپرست را برای محاکمه احضار کردند برای این که آن‌ها گمان می‌کردند که هدف این مرد مسخره کردن ایشان است.
- (۳) مردم مرد موحد را برای محاکمه حاضر کردند زیرا ایشان گمان می‌کنند قطعاً هدف این مرد مسخره کردن آنها است.
- (۴) مرد یکتاپرست برای محاکمه نزد مردم حاضر شد برای این که ایشان گمان می‌کردند بی‌گمان این مردی است که قصد داشت آن‌ها را مسخره کند.

۲۰. قال الأستاذُ لنا: «كَأَنَّ هَذَا الْكِتَابَ كَنْزٌ لَمْ نَكْتَشِفْهُ مِنْ قَبْلُ» استاد به ما گفت

- (۱) این کتاب مانند گنجی است که قبلاً آن را کشف نکرده بودیم.
- (۲) این کتابی مانند گنج است که ما قبلاً آن را کشف نکردیم.
- (۳) این کتاب یک گنج است و ما آن را از سابقه‌اش کشف خواهیم کرد.
- (۴) گویی این کتاب گنجی از قبل است که ما هرگز آن را کشف نکرده ایم.

۲۱. «لَعَلَّ اللَّهَ يُخْهِمِنَا مِنَ الشَّرِّ وَيَمَلُّ جَمِيعَ مُدُنِ بِلَادِنَا سَلَامًا.»

- ۱) شاید خداوند ما را در برابر بدی‌ها محافظت کند و همه شهرهای کشورمان را از آرامش پر کند.
- ۲) امید است خداوند ما را از بدی حمایت کند و همه شهرهای کشورمان را پر از آرامش کند.
- ۳) ای کاش خداوند ما را از بدی حمایت می‌کرد و تمام شهرهای کشورمان پر از سلامتی می‌شد.
- ۴) شاید خداوند بدی را از ما دور کند و همه شهرهای کشورمان را پر از امنیت کند.

۲۲. «لَيْتَنِي أَسْتَطِيعُ أَنْ أُرِيكَ أَنْ نَجَاحَكَ فِي هَذِهِ الْمَسَابِقَةِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ.»

- ۱) کاش می‌توانستم تو را ببینم که در این مسابقه پیروز می‌شوی و هدفی داری که درک نمی‌شود.
- ۲) شاید بتوانم به تو نشان دهم که موفقیت تو در مسابقه یک هدف است که هرگز به دست نمی‌آید.
- ۳) ای کاش می‌توانستم تو را در این مسابقه موفق ببینم، هدفی که به آن دست نمی‌یابی.
- ۴) ای کاش بتوانم به تو نشان دهم که پیروزی تو در این مسابقه هدفی است که به دست نمی‌آید.

۲۳. لَيْتَ الْآيَامِ أَشْغَلْتَنَا بِأَعْمَالٍ تُفِيدُنَا.

- ۱) کاش ایام ما را به کارهایی مشغول کند که سودش به ما برسد.
- ۲) امید است که ایام ما را به کارهایی که مفید است مشغول کند.
- ۳) ای کاش روزگار ما را به کارهایی مشغول می‌کرد که برایمان مفید بود.
- ۴) کاشکی روزگار ما را به کاری مشغول کرده بود که برایمان سودی داشت.

۲۴. «لَا يَخْرُجُ قَوْلُ الْكَاذِبِينَ وَعَلَيْكَ أَنْ تَقُولِي لَهُمْ: لَا قِيمَةَ لِقَوْلِكُمْ.»

- ۱) گفتار دروغ‌گویان تو را اندوهگین نمی‌کند و بر تو است که به آن‌ها بگویی: گفتار شما ارزشی ندارد.
- ۲) گفتار دروغ‌گویان نباید تو را غمگین کند و تو باید به ایشان بگویی: گفتار شما هیچ ارزشی ندارد.
- ۳) قول انسان‌های دروغ‌گو نباید تو را غمگین کند و تو باید برای آن‌ها می‌گفتی: سخن شما ارزش ندارد.
- ۴) سخن دروغ‌گوها تو را اندوهگین نمی‌کند و تو به آن‌ها می‌گویی: نه، سخن شما ارزشی ندارد.

۲۵. «لَا فَخْرَ لِنَسَبِكَ، إِنَّمَا الْفَخْرُ الْحَقِيقِيُّ لِأَدَبِكَ.»

- ۱) افتخاری به دودمانت نیست، افتخار حقیقی تنها به ادب تو است.
- ۲) هیچ افتخاری به خانواده‌ات وجود ندارد زیرا افتخار واقعی تو در ادب است.
- ۳) اصل و نسب برای تو افتخار ندارد و فقط ادب تو موجب فخر واقعی تو است.
- ۴) تو به دودمانت افتخار نمی‌کنی و قطعاً افتخار حقیقی برای با ادب بودن تو است.

۲۶. عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجِمَةِ:

- ۱) هَلْ تَعَلَّمُ أَنَّ النَّاسَ لِأُمَّ وَلِأَبٍ؟ ← آیا می‌دانی که مردم قطعاً پدر و مادری دارند؟
- ۲) لَعَلَّ النَّاسَ يَفْتَخِرُونَ بِعَقْلِهِمُ الثَّابِتِ. ← امید است مردم به خرد استوارشان افتخار کنند.
- ۳) كَأَنَّهُمُ الْفِصَّةُ وَلَكِنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ. ← ایشان مانند طلا بودند ولی خودشان نمی‌دانستند.
- ۴) لَيْتَكَ رَأَيْتَهُمْ كَيْفَ خَلِقُوا مِنْ طِينَةٍ. ← ای کاش آن‌ها را ببینی چگونه از گل آفریده شدند.

۲۷. عَيْنِ الْخَطَا:

- (۱) لِمَ تُحَاوِلِينَ؟ أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ عَلَى النَّجَاحِ، ← چرا تلاش می‌کنی؟ تو نمی‌توانی موفق شوی،
 (۲) فَلَا فَائِدَةَ لِمُحَاوَلَتِكَ، ← پس تلاشِ تو فایده‌ای ندارد،
 (۳) وَلَكِنَّكَ تُحَاوِلِينَ مَرَّةً أُخْرَى وَأَنَا أَعْلَمُ لَا فَائِدَةَ لِهَذِهِ الْمُحَاوَلَةِ، ← ولی تو یک بار دیگر تلاش می‌کنی و من
 بی‌فایده بودن این تلاش را می‌دانم،
 (۴) يَا لَيْتَنِي أَقْدِرُ أَنْ أُسَاعِدَكَ وَلَكِنْ لَا قُدْرَةَ لِي. ← ای کاش بتوانم تو را یاری کنم ولی هیچ قدرتی ندارم.

بخش ۳: قواعد و ترجمه

۱. گزینه ۳

در گزینه ۳، اَنْ، جزء حروف مشبّهة بالفعل نیست.

حروف مشبّهة بالفعل، عبارت اند از:

«إِنَّ، اَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ»

در گزینه ۱ «إِنَّ»، در گزینه ۲ «أَنَّ» و در گزینه ۴ «لَكِنَّ» در لَكَنَّكُم» جزء حروف مشبّهة بالفعل هستند. **خط فکری:** سؤال گزینه ای را می خواهد که در آن حروف مشبّهة بالفعل به کار نرفته است، بنابراین کافی است این حروف را شناخته و حفظ کرده باشید. در این رابطه لازم است به کلماتی که می توانند موجب خطای ذهنی شوند، توجه کنید:

اَنْ و اِنْ را با اِنَّ و اَنَّ اشتباه نگیرید. «اَنْ» جزء حروفی است که بر سر فعل مضارع می آید و «اِنْ» جزء ادات شرط است.

كَانَ را با كَأَنَّ اشتباه نگیرید. «كان» جزء افعال ناقصه است.

لَيْتَ را با لَيْسَ اشتباه نگیرید. «لِيس» جزء افعال ناقصه است.

لَكَنَّ و لَكَنَّ نیز فرق دارند. «لَكَنَّ» حرف عطف است و «لَكَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به شمار می آید.

۲. گزینه ۲

كَأَنَّ در گزینه ۲ یکی از حروف مشبّهة بالفعل است.

گزینه ۱ و ۳: كان و لیس در این دو گزینه جزء افعال ناقصه هستند.

گزینه ۴: اِنْ جزء ادوات شرط است.

یادآوری

افعال ناقصه مهم عبارت اند از: لیس، کان، صار، أصبح

ادوات شرط مهم عبارتند از: اِنْ، مَنْ، ما

۳. گزینه ۱

در گزینه ۱، اِنَّ به معنای قطعاً جمله پس از خودش را تأکید می کند. (قوم ابراهیم ع) گفتند: قطعاً بت صحبت نمی کند.)



معانی حروفِ مشبّهةً بالفعل

إِنَّ: قطعاً، مُسلماً، همانا، به درستی که (به راستی که)، بی‌گمان
أَنَّ: که
كَأَنَّ: گویی، مانند
لِكَأَنَّ: ولی
لَيْتَ: ای کاش (کاش)
لَعَلَّ: شاید، امید است

خط فکری: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرفی موجب تأکید بر جمله شده باشد بنابراین لازم است معانی حروف مشبّهةً بالفعل و تأثیر این حروف بر مفهوم جمله را بدانید. در این رابطه اگر به معانی این حروف توجه کنید در می‌یابید که:

إِنَّ موجب تأکید بر جمله پس از خود می‌شود. (بی‌گمان، قطعاً...)
أَنَّ دو جمله را به هم پیوند می‌دهد. (... که ...)
كَأَنَّ برای بیان همانندی و به نظر رسیدن چیزی یا مفهومی است. (گویی...) (مانند)
لِكَأَنَّ پیامی را کامل می‌کند و یا برای برطرف کردن ابهام جمله قبل از خودش می‌آید. (... ولی ...)
لَيْتَ آرزویی را بیان می‌کند. (کاش...)
لَعَلَّ بیانگر امید است. (شاید...) (امید است ...)

گزینه ۲ .۴

به معنای جمله در گزینه ۲ توجه کنید:

به همکارم گفتم: می‌دانم که تو بسیار تلاش می‌کنی.
 همان‌طور که می‌بینید حرف که موجب اتصال دو جمله (می‌دانم) و (تو بسیار تلاش می‌کنی) شده است و سؤال نیز از ما خواسته بود گزینه‌ای را بیابیم که در آن حرفی برای ایجاد ارتباط بین دو جمله آمده باشد.
گزینه «۱»: إِنَّ، حرف شرط است و لِه و مِن هر دو حرف جر هستند: [اگر چیزی از خوبی برای خودتان پیش بفرستید آن را نزد خداوند می‌یابید.]

گزینه «۳»: عَن و لِه هر دو حرف جر هستند: (از جایتان برای معلم خود برخیزید).
گزینه «۴»: إِنَّ موجب تأکید می‌شود: (بی‌گمان مردم دشمنان چیزی هستند که نمی‌دانند).

۵. گزینه ۴

به معنای جمله در گزینه ۴ توجه کنید:

این جنگجویان مانندِ ساختمانی استوار هستند.

خط فکری: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن حرفی معادل معنای «ک» در فارسی باشد. «ک» به معنای «مانند، مثل» است بنابراین انتخاب «کَانَ» که از حروف مشبّهة بالفعل است و معنای آن در فارسی معادل «گویی، مانند» است، می‌تواند انتخاب مناسبی باشد.

به معانی سایر گزینه‌ها توجه کنید:

گزینه ۱: «۱»: ای کاش برادر کوچکم از تنبلی دوری کند.

گزینه ۲: «۲»: امروز، روز عید است ولی او غمگین است.

گزینه ۳: «۳»: قطعاً تو می‌دانی که این کودک بیمار، احتیاج به یاری تو دارد. در هیچ‌یک از این موارد حرفی که به معنای «مانند» باشد دیده نمی‌شود.

۶. گزینه ۴

معنای جمله در گزینه ۴ چنین است:

«من می‌دانم که تولید نفت از این درخت ممکن است.»

این جمله بیانگر یک علم و آگاهی از چیزی است نه یک آرزو یا امید.

خط فکری: الامتیة به معنای آرزو و الزجاء به معنای امید است بنابراین سؤال از ما می‌خواهد گزینه‌ای را مشخص کنیم که در آن حرفی که بیانگر امید و یا آرزویی است وجود داشته باشد. در سایر گزینه‌ها، حروف «لعلّ و لیت» بیانگر معنای «امید» یا «آرزو» هستند. به معانی این گزینه‌ها توجه کنید:

گزینه ۱: «۱»: خداوند قرآن را به زبان عربی قرار داد، امید است که ما خردورزی کنیم.

گزینه ۲: «۲»: ای کاش دانش‌آموزان درخت خفه‌کننده را در جنگل مشاهده کنند.

گزینه ۳: «۳»: ای کاش من فرار می‌کردم برای این که بوی آن درخت بسیار بد بود.

۷. گزینه ۲

به ترجمه گزینه ۲ توجه کنید:

«امید است که تو به ترجمه دعاها مراجعه نکنی و آن‌ها را به زبان عربی بخوانی.»

در این جمله فعل «لا تُراجِعْ» معادل مضارع التزامی (منفی) ترجمه می‌شود.

تأثیر «لیت» و «لعلّ» بر ترجمه فعل

اگر بعد از «لیت» یا «لعلّ» در جمله، فعل مضارع بیاید به صورت «مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

مثال: لعلّ أخي يذهبُ إلى البيتِ. ← شاید برادرم به خانه برود.

ليتّ أخي يذهبُ إلى البيتِ. ← ای کاش برادرم به خانه برود.
و اگر بعد از «ليتّ» در جمله، فعل ماضی بیايد با توجه به جایگاه آن در متن می تواند معادل «ماضی استمراری» و یا «ماضی بعید» ترجمه شود.

مثال: ليتّ أخي ذهب إلى البيتِ. ← ای کاش برادرم به خانه می رفت (رفته بود).

در گزینه های ۱، ۳ و ۴، فعل های لا أراجعُ، تُراجعون، لا تُراجعُ به صورتِ مضارع منفی، مضارع و مضارع منفی ترجمه می شوند و دلالت بر مضارع التزامی ندارند. (مراجعه نمی کنیم، مراجعه می کنید، مراجعه نمی کنیم.)
خط فکری: سؤال، فعلی را می خواهد که بر مضارع التزامی منفی دلالت کند. بنابراین باید بدانید که در چه شرایطی فعل، معادل مضارع التزامی ترجمه می شود و ضمناً دقت کنید که فعل مورد نظر منفی نیز باشد.

۸. گزینه ۴

در گزینه ۴، فعلی که دلالت بر مضارع التزامی داشته باشد دیده نمی شود. به معنای جمله توجه کنید:

«قطعاً او همکار نامیده می شود زیرا او با تو کار می کند.»

خط فکری: این سؤال گزینه ای را می خواهد که در آن فعلی دلالت بر مضارع التزامی نداشته باشد. در این رابطه لازم است توجه کنید که علاوه بر لیت و لعلّ، حروف آن، کئی، لکی، حتّی، لـ نیز اگر در جمله قبل از فعل مضارع بیایند بر مضارع التزامی دلالت می کنند و همچنین اگر در اسلوب شرط، فعل شرط، مضارع باشد می تواند معادل مضارع التزامی ترجمه شود.

گزینه ۱: در «فَلْيَعْمَلُوا» (فَ + لَ + يَعْمَلُوا) به معنای پس باید انجام دهند. «لِيَعْمَلُوا» دلالت بر مضارع التزامی دارد.

گزینه ۲: «أَنْ يَكْتُبُوا» به معنای که بنویسند، است.

گزینه ۳: فعل «يُحَاوِلُ» به دلیل ذکر «لَيْتَ» در ابتدای جمله و همچنین فعلِ يُنْقِذَ به دلیل ذکر آن پیش از آن دلالت بر مضارع التزامی دارند. به معنای گزینه ۳ توجه کنید: ای کاش مرد مؤمن تلاش کند که برادرانش را از عبادتِ بُت ها نجات دهد.

۹. گزینه ۳

ذکر «ليتّ» در ابتدای جمله موجب می شود که فعل مضارع يُشَاهِدُونَ معادل مضارع التزامی ترجمه شود. (ای کاش مهمانان ما همه شهرهای کشورمان را ببینند)

۱۰. گزینه ۱

در گزینه ۱، لیت بر سر جمله ای آمده است که دارای فعل ماضی است (ليتّ الطلابُ خجلوا و...) به همین

دلیل می‌تواند معادل ماضی استمراری ترجمه شود: (ای کاش دانش‌آموزان خجالت می‌کشیدند و از کارشان پشیمان می‌شدند).

گزینه «۲»: کان بر سر فعل ماضی آمده است و معادل ماضی بعید ترجمه می‌شود (دانش‌آموزان خجالت کشیده بودند و از کارشان پشیمان شده بودند)

گزینه «۳»: لم بر سر فعل مضارع آمده است و بر ماضی منفی دلالت می‌کند (دانش‌آموزان خجالت نکشیدند و از کارشان پشیمان نشدند)

گزینه «۴»: «لا یخجلون» فعل نفی است (دانش‌آموزان از کارشان پشیمان نیستند و خجالت نمی‌کشند).

۱۱. گزینه ۳

در این جمله وَصَلْتُ یک فعل ماضی است که بعد از لیت آمده است بنابراین می‌تواند معادل ماضی استمراری یا بعید ترجمه شود: [ای کاش به دوستانم نزدیک تنگه می‌رسیدم (رسیده بودم)] به همین دلیل گزینه‌های ۱ و ۲ هر دو می‌تواند درست باشد و چون فعل بعد از لیت قرار دارد، در آن مفهوم آرزو وجود دارد (ای کاش) ولی این فعل بر ماضی منفی دلالت نمی‌کند.

۱۲. گزینه ۱

فعل مضارع در جمله دارای لعل به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود نه ماضی استمراری یا بعید. (امید است این دانشمند به ادیان الهی احترام بگذارد.)

خط فکری: سؤال گزینه‌ای را می‌خواهد که در آن فعلی معادل ماضی استمراری یا بعید نداشته باشیم. در این رابطه لازم است به این موارد توجه داشته باشید:

- لیت + فعل ماضی ← معادل ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود.
 - کان + فعل مضارع ← معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
 - کان + فعل ماضی ← معادل ماضی بعید ترجمه می‌شود.
 - فعل ماضی + فعل مضارع در جمله توصیفی (جمله‌ای که بعد از اسم نکره می‌آید و آن را وصف می‌کند) معادل ماضی استمراری ترجمه می‌شود.
 - فعل ماضی + فعل ماضی در جمله توصیفی ← معادل ماضی بعید یا ساده ترجمه می‌شود.
- بر اساس موارد فوق:

گزینه «۲»: به دلیل این که «کان» بر سر فعل مضارع «يُؤَكِّدُ» آمده است معادل ماضی استمراری معنی می‌شود (پیامبر ما بر آزادی عقیده تأکید می‌کرد).

گزینه «۳»: «لیت» بر سر فعل ماضی آمده و معادل ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود (ای کاش مسلمانان متحد می‌شدند و پراکنده نمی‌شدند).

گزینه ۴: فعل «قد قرأته» یک فعل ماضی است که اسم نکره پیش از خودش را توصیف می‌کند و این جمله توصیفی بعد از یک فعل ماضی قرار گرفته است بنابراین معادل ماضی بعید ترجمه می‌شود (استاد به من درسی داد که قبلاً آن را خوانده بودم).

۱۳. گزینه ۲

«لا»ی نفی جنس:

گاهی حرف «لا» بر سر یک اسم نکره وارد می‌شود و معادل «هیچ ... نیست» ترجمه می‌شود. در این صورت «لا»ی نفی جنس، نامیده می‌شود.

مثال: لا کُنْزَ کَالْعِلْمِ. ← هیچ گنجی مانند علم نیست.

ویژگی اسم بعد از «لا»ی نفی جنس این است که «ال» و «تنوین» ندارد و حرف آخر آن همواره با حرکت فتحه دیده می‌شود.

خط فکری: مورد نظر این سؤال تشخیص «لا»ی نفی جنس از سایر انواع «لا» است. در این رابطه توجه کنید که: «لا»ی نفی جنس بر سر فعل نمی‌آید در حالی که «لا»ی نفی مضارع و «لا»ی نهی هر دو بر سر فعل مضارع می‌آیند. **گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴:** در این گزینه‌ها «لا» بر سر فعل مضارع آمده است و به ترتیب: «لا»ی نفی مضارع، «لا»ی نهی و «لا»ی نهی هستند.

معنای «لا» و فعل پس از آن در این گزینه‌ها به ترتیب عبارت است از: کار نمی‌کند، نباید غمگین کند (غمگین نکنند)، دشنام ندهید.

گزینه ۲: «لا» بر سر یک اسم بدون «ال» و «تنوین» آمده است و معنای جمله در این گزینه چنین است: «هیچ عبادتی مانند یاد دادن و یاد گرفتن نیست».

۱۴. گزینه ۳

گزینه‌های ۱، ۲ و ۴: لا، بر سر یک اسم بدون «ال» و «تنوین» آمده است و همه این جمله‌ها دربرگیرنده معنای «هیچ ... نیست» نیز می‌باشند. (برای من هیچ علمی جز آنچه پروردگارم به من آموخته، نیست) (هیچ چیزی در زندگی‌ام قوی‌تر از پرهیزکاری نیست.) (هیچ مهمانی امروز در خانه‌ام نیست.)

گزینه ۳: اسم بعد از «لا»، «ال» دارد و معنای جمله نیز دربرگیرنده معنای نفی جنس نیست (مردم به دانشمندان احترام می‌گذارند نه به نادانان).

۱۵. گزینه ۲

«لا» در گزینه ۲، در ابتدای جواب، به معنای «نه» است و در پاسخ به «هَلْ» آمده است و «لا»ی نفی جنس

محسوب نمی‌شود. و «لا» در لا أَجِبُهُ، بر سر فعل مضارع آمده و «لا»ی نفی مضارع است. (آیا این غذا را دوست داری؟ نه، آن را دوست ندارم)

۱۶. گزینه



برای پاسخ گویی دقیق به سؤال‌های ترجمه لازم است به موارد زیر توجه کنید:

- بر معانی واژه‌های کتاب درسی خود مسلط باشید و بدانید که واژه را باید متناسب با سیاق عبارت ترجمه کرد.
- در ترجمه صحیح نباید خطای قواعدی وجود داشته باشد.
- دقت کنید که صورت سؤال‌های ترجمه «عَيْنِ الْأَصْحِ وَالْأَدَقِّ...» است. یعنی کدام گزینه در مقایسه با سایر گزینه‌ها صحیح‌تر و دقیق‌تر است بنابراین انتخاب یک گزینه در مقایسه با سایر گزینه‌ها صورت می‌پذیرد.
- بهتر است ابتدا در جمله عربی، مواردی را بیابید که بتوانید به کمک آن‌ها، تا دو گزینه را رد کنید. برای مثال مواردی مثل زمان فعل، ترجمه صحیح اسم‌های اشاره، مفرد یا جمع بودن کلمات، نحوه ترجمه صفت یا مضاف‌الیه و نحوه ترجمه حروف، سپس دو گزینه باقیمانده را قسمت به قسمت با یکدیگر مقایسه کنید تا متوجه وجه اختلاف آن‌ها در ترجمه بشوید در این صورت می‌توانید با دقت در جمله عربی داده شده گزینه مناسب را انتخاب کنید.

خط فکری: نحوه ترجمه **إِنَّ**، فعل‌های جمله و نقش کلماتی مانند **فَطْرِيٌّ** و **الْمُشْرِكِينَ** می‌توانند موارد مناسبی برای انتخاب گزینه صحیح‌تر باشند.

در رابطه با **إِنَّ** توجه کنید که این حرف موجب تأکید بر جمله می‌شود ولی ترجمه نکردن آن به صورت یک واژه تأکیدی (قطعاً، مسلماً، بی‌گمان و...) لزوماً و به تنهایی موجب رد گزینه نمی‌شود.

گزینه «۱»: دین به جای دینداری نادرست است و لا نَكُنْ نهی است و معادل نباید باشیم ترجمه شود.

گزینه «۳»: امری معادلی در جمله عربی ندارد، نبوده‌ایم ترجمه درستی برای لا نَكُنْ نیست و قطعاً نیز ترجمه مناسبی برای لَإِنَّ نیست.

گزینه «۴»: بی‌گمان نادرست است و با توجه به این که لا يُحِبُّ مضارع منفی است نباید دوست داشته باشد نیز نادرست است.

۱۷. گزینه

خط فکری: نحوه ترجمه فعل‌های جمله، نقش ضمیر «نا» و جمع بودن و معرفه بودن **الْأَنْبِيَاءِ** و معنای **أَنَّ** مواردی هستند که می‌توانند راهگشا باشند.

«لِ» در لِنَعْلَمُ معادل باید ترجمه می‌شود. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۴)



أَنَّ معادلِ که ترجمه می‌شود نه قطعاً. (ردّ گزینه ۳)

لا يَثْرُكُ مضارع منفی و نا مفعول است و ترجمه صحیح آن ما را رها نمی‌کند است. (ردّ گزینه‌های ۲ و ۳)

قد أُرْسِلَ ماضی نقلی است (ردّ ۳ و ۴) و الأنبياء جمع و معرفه است (ردّ ۳ و ۴).

۱۸. گزینه ۴

بدأ ... يَبْهَمُسون معادلِ شروع به پیچ کردن است که فقط در گزینه ۴ به صورت دقیق ترجمه شده است.

لما اگر بر سر ماضی بیاید معادل هنگامی که ترجمه می‌شود (هنگامی که خارج شد) (ردّ گزینه ۲)

كَأَنَّ معادلِ گویی ترجمه می‌شود. (ردّ گزینه‌های ۱، ۲ و ۳)

و همچنین به مواردی مثل (إرضاء = راضی کردن)، (لصديقي = به دوستم) (لا يُمكنُ لنا: برای ما ممکن نیست)

نیز برای ردّ گزینه‌های نادرست می‌توانید استناد کنید.

۱۹. گزینه ۲

أَحْضَرَ بر وزنِ أَفْعَلَ معادلِ حاضر کرد ترجمه می‌شود نه «حاضر شد» (ردّ گزینه ۴)

«الزّجل» معرفه است (ردّ گزینه ۱)

«كانوا يظنون» معادلِ ماضی استمراری ترجمه می‌شود (گمان می‌کردند: ردّ گزینه‌های ۱ و ۳)

لِأَنَّ: برای این که (ردّ قطعاً در گزینه ۳)

و «قَصْدٌ» اسم است نه فعل (ردّ قصد داشت در گزینه ۴)

می‌توانید با یکی دو مورد از این موارد، دو گزینه را ردّ کنید و سپس با مقایسه دو گزینه دیگر، صحیح‌ترین را

انتخاب کنید.

۲۰. گزینه ۱

هذا الكتاب معادلِ این کتاب است. كَأَنَّ معادلِ گویی معنی می‌شود و كُنْزٌ نکره است (گنجی) (ردّ گزینه ۲)،

جمله بعد از «کنز» به همراه که ترجمه می‌شود زیرا «کنز» را توصیف می‌کند. (ردّ گزینه ۳)

اگر لم قبل از فعل مضارع بیاید، فعل معادلِ ماضی منفی ترجمه می‌شود و با توجه به این که در ابتدای جمله

نیز فعل ماضی (قال) آمده است ترجمه آن به صورت ماضی بعید صحیح است و نمی‌توان آن را به صورت آینده

(کشف خواهیم کرد) و (هرگز کشف نکرده‌ایم) ترجمه کرد (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)

۲۱. گزینه ۲

خط فکری: لعلّ به معنی شاید و امید است می‌باشد و اگر بر سر فعل مضارع بیاید، فعل مضارع معادل مضارع

التزامی ترجمه می‌شود.

به توضیح خط فکری مراجعه کنید (ردّ گزینه ۳) به مفرد بودن «الشرّ» توجه کنید (ردّ گزینه ۱)

به مفعول بودن «نا» در یُحْمِنَا و معنای فعل توجه کنید (ما را حمایت کند) (ردّ گزینه ۴)
سلام = آرامش (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)

۲۲. گزینه ۴

اگر لیت بر سر مضارع بیاید معادل مضارع التزامی ترجمه می‌شود: ای کاش بتوانم (ردّ گزینه ۱ و ۳)، «لیت» معادل «ای کاش» است نه شاید. (ردّ گزینه ۲)
به فعل مضارع أُرِيك = أري + ك نیز دقت کنید این فعل معادل به تو نشان دهم می‌شود زیرا بر وزن أَفْعِلُ و مصدر آن اِفعال است. (یَری: می‌بیند ← یُری: نشان می‌دهد)
«نجاحك» مضاف و مضاف‌الیه و به معنی «موفقیت یا پیروزی تو» است، جمله لا تُدرک نیز اسم نكرة غایبة را توصیف می‌کند.

۲۳. گزینه ۳

خط فکری: اگر «لیت» بر سر فعل ماضی بیاید می‌توان آن را به صورت ماضی استمراری یا بعید (متناسب با سیاق عبارت) ترجمه کرد.
لَيْتَ أَشْغَلْتَنَا = ای کاش مشغول می‌کرد (مشغول کرده بود) بنابراین مشغول کند نادرست است.
(ردّ گزینه‌های ۱ و ۲)
جمله «تُفِيدُنَا» نیز اسم نكرة اَعْمَالٍ را توصیف می‌کند و به همراه که ترجمه می‌شود و همچنین به جمع بودن اَعْمَالٍ توجه کنید (ردّ گزینه ۴).

۲۴. گزینه ۲

خط فکری: به تفاوت انواع «لا» و همچنین نحوه ترجمه «لا»ی نفی جنس (هیچ ... نیست) در ترجمه توجه کنید. دقت کنید که در «لا»ی نفی جنس می‌توان واژه هیچ را در ترجمه ذکر نکرد ولی اسم بعد از «لا» حتماً باید به همراه یاء نكرة ترجمه شود.
لا يَحْزُنُ نهی است و معادل «نباید غمگین کند یا غمگین نکند» ترجمه می‌شود (ردّ گزینه‌های ۱ و ۴)
«لا» در «لا قِيَمَةَ...» لای نفی جنس است بنابراین اسم پس از آن حتماً باید به صورت نكرة ترجمه شود: ارزشی.
(ردّ گزینه ۳).

۲۵. گزینه ۱

«لا» در لا فخر... «لا»ی نفی جنس است و معادل افتخاری... یا هیچ افتخاری... است (ردّ گزینه‌های ۳ و ۴)
نسب به معنی دودمان است و اِنَّمَا معادل فقط، تنها ترجمه می‌شود و برای حصر می‌آید.

به مضاف و مضاف‌الیه بودن «أدبیک = ادب تو» نیز توجه کنید (ردّ گزینه ۲).

۲۶. گزینه ۲



گاهی چهار جمله یا عبارت متفاوت در گزینه‌ها به چشم می‌خورد. در چنین مواردی به نکات زیر توجه کنید:

- ابتدا دقت کنید که آیا ارتباطی بین گزینه‌ها از نظر معنایی وجود دارد یا نه؟ زیرا اگر گزینه‌های بعد در ادامه گزینه‌های قبل آمده باشند بعضی عوامل که در گزینه‌های قبل وجود دارند مثل وجود **کان**، **ادوات شرط** و... می‌توانند روی ترجمه عبارات بعدی تأثیر بگذارند.
- اگر ارتباطی بین گزینه‌ها وجود ندارد می‌توانید هر عبارت را به‌طور مستقل و قسمت به قسمت با ترجمه مربوط به آن مقایسه کنید و مورد صحیح‌تر را در مقایسه با سایر گزینه‌ها انتخاب کنید.

در این سؤال ارتباطی بین گزینه‌ها وجود ندارد و می‌توان هر گزینه را به‌طور مستقل بررسی کرد:

گزینه «۱»: واژه «قطعاً» در ترجمه معادلی در عربی ندارد و ترجمه قسمت دوم جمله نیز نادرست است.

(ترجمه صحیح چنین است: آیا می‌دانی که مردم از یک مادر و یک پدر هستند.)

گزینه «۳»: **کَانَ**، معادل **مانند** ترجمه می‌شود و **لا يعلمون** مضارع منفی است: (آنها مانند طلا هستند ولی نمی‌دانند.)

گزینه «۴»: «لیت + فعل ماضی» معادل ماضی استمراری یا بعید ترجمه می‌شود و **طینة** نکره است: (ای کاش

آنها را می‌دیدى که چگونه از تگه گلی آفریده شدند.)

۲۷. گزینه ۳

در این سؤال میان گزینه‌ها ارتباط معنایی برقرار است ولی موردی که روی گزینه‌های بعد در ترجمه اثر بگذارد وجود ندارد.

مورد خطا در گزینه ۳ است. در قسمت دوم این جمله «لا» لای نفی جنس است و ترجمه صحیح این قسمت

چنین است: (... و من می‌دانم این تلاش هیچ فایده‌ای ندارد.)